

مهرکوردی، (ارزلام)، شمس ماه اول، ۱۳۳۸

نوشته: دکتر ا. ک. اس. لمتون

استاد ادبیات فارسی در دانشگاه لندن

ترجمه دکتر حسن کامشاد

منصب داروغه - تاریخچه آن

کلمه داروغه از لغت مغولی داروکه بمعنای فشار وارد آوردن و یا مهر کردن میباشد مشتق گردیده است. در تشکیلات دولتی مغول عنوان داروغه مشخص یکی از درجات صاحب منصبان بود. در سال ۱۲۲۱ میلادی در المالیغ، گذشته از حکمران محلی، یک درخچی مغول وجود داشت که نماینده امپراطور بود.

وظایف درخچی مشتمل بود بر سرشماری ساکنین و سربازگیری و برقراری مرابطات و وصول مالیات و رساندن خراج به دربار. (۱) اولین باری که در تاریخ ایران با اصطلاح داروغه برمیخوریم در زمان مغولهای ایلخانی است. این اصطلاح تا اوائل قرن بیستم میلادی در ایران رایج بود. هندوستان در زمان تسلط مسلمین و نیز گرجستان در عهد صفویه عنوان داروغه را بکار میبردند. در ایران در دوره ایلخانیان و تیموریان اصطلاح داروغه بتدریج بجای شحنه مورد استعمال قرار گرفت و شامل تشکیلات تقریباً مشابهی میگشت. ولی تازمان تیموریان ذکر لفظ داروغه رواج چندانی نداشت. بنظر میرسد که عنوان داروغه به مأموری اطلاق میگشت که از بعضی جهات شباهت به شهردار شهر

داشت (۲) و از نقطه نظر سلسله مراتب اداری تابع حاکم محل بود. مراعات جزئی باو واگذار میشد و در بعضی نقاط رسومی بنام داروغگی اخذ میگردد. در منشوری متعلق به قرن نهم هجری ضمن یک سلسله معافیت که به فیض آباد - از نواحی بلخ - اعطاء گردیده ذکر می هم از معافیت داروغانه رفته است (۳ الف).

در دوره صفویه اصطلاح داروغه به مأمورین مختلف، و از آنجمله به حاکم شهر اطلاق میشده است. اما چگونگی ارتباط داروغه بعنوان حاکم شهر و حاکم ایالتی که شهر در آن واقع شده بود کاملاً روشن نیست. بنا بر روایت الیریوس دریاره ای نقاط مثلاً قسمتهائی از گرجستان و قزوین و اصفهان و کاشان و تهران و همدان و مشهد و کرمان و هرمز، خانی بعنوان حاکم استان وجود نداشت. اختیارات داروغه در این نقاط بیش از اختیارات حکام شهرها بود (۳) از طرف دیگر تاورنیه اظهار میدارد که شاه در هراپالت یک نفر دیوانبگی داشت و خان (یعنی حاکم ایالت) یک نفر داروغه معین میکرد که زیر دست دیوانبگی انجام وظیفه نماید و بزعم تاورنیه همطراز Lieutenant Criminal در فرانسه بوده و یک نفر عسس زیر نظر او کار میکرد که رئیس پاسداران بوده و شبها برای جلوگیری از بی نظمی در خیابانها گردش میکرد و تمام کسانی را که در ساعات دیروقت شب در خیابانها گیر میآورد چنانچه نمیتوانستند دلیل قانع کننده ای برای شبگردی خویش ارائه نمایند بزندان میفرستاد. شکایت علیه داروغه به دیوانبگی میشد. (۴) اما شاردن معتقد است که داروغه ها مستقیماً از طرف شاه منصوب میگشتند و حکام ولایتی در کار آنها مداخله ای نداشتند (۵) بعید نیست که سلاطین صفوی بدینوسیله یعنی با گماشتن مستقیم حکام بعضی از قلاع و شهرستانها که در قلمرو حکام ولایتی بود سعی میکردند که از نفوذ و قدرت دسته اخیر بکاهند. و نیز محتمل است که سیاست اداری صفویه در دوره سلاطین مختلف و در قسمتهای مختلف امپراطوری بایکدیگر فرق داشته است. بنا بر اظهار تاورنیه داروغه مسئول سرعت و دعوا و کتک کاری و جنایات بود، و همچنین بنظر میرسد که پاره ای از وظایف که سابق بر این بوسیله

محتسب انجام میشد در اینموقع بعهدہ داروغہ واگذار شدہ بود . مثلاً تاورنیہ نقل میکنند کہ داروغہ میتوانست مراکز فحشاء را تعطیل کردہ و اشخاصی را کہ در این مراکز دستگیر میکرد جریمہ نمودہ و یا بہ چوب و فلک ببندد . (۶) این نکته در تذکرۃ الملوک ہم تأیید شدہ است .

مؤلف ضمن توصیف وظایف و اختیارات داروغہ اصفهان متذکر میگردد کہ « مشارالیه جزو دیوان بیگی و شغل مشارالیه آنست کہ اصل شهر و خارج شهر را محافظت نماید کہ هیچکس مرتکب خلاف حساب و ظلم و نزاعی نگردد ، و امور خلاف شرع و فاحشه و شراب و قمار و سایر امور نامشروع را قدغن نماید کہ کسی متوجه آن نشود و هر گاہ متوجه آن گردد او را تنبیه و از آن عمل منع و فراخور تقصیر جریمہ از گناهکاران باز یافت نماید ، و شبها بعد از آنکہ سہ ساعت بگذرد اولاً آمدہ ساعتی در درب قیصریہ توقف و بعد از آن باجمعی کہ بتائینی او مقرراند سوار شدہ هر شب یک سمت شهر را خود و سمت دیگر را احداس و سایر توابع اینان گردش و وقت تقارن بخانه خود مراجعت نماید و معمول بود کہ از سرکار قورچی و غلام و آقاییان و تفنگچی و توپچی بتائینی داروغہ مشارالیه مقرر بودہ اند کہ حسب الصلاح او بخدمات قیام و جماعت مذکورہ را بنحوی کہ مناسب و ضرور داند بسر کردگی شخصی از ایشان کہ او را سردستہ مینامند در هر محلہ از محلات شهر تعیین کہ روز و شب در آن محلہ بودہ بمحافظت و محارست قیام نمایند کہ کسی مرتکب ظلم و خلاف حساب و نامشروعی نگردد و آنچه در آن محلہ بوقوع رسد چگونگی را (احداس) بعرض داروغہ رسانیدہ کہ او تمیز و تشخیص و بازخواست نماید . (۷) چنانچہ احداس وجہ مسروقه را مییافت یک سوم آنرا کہ طبق رسوم و سنن حق او بود برداشته و مابقی را با اطلاع دیوانبگی و داروغہ بہ صاحبش مسترد میداشت ، و اما چنانچہ موفق بدستگیری سارق نمیکردید میتوانست تقاضای مهلت نماید ولیکن اگر مدت مهلت سرمایید و وجہ مسروقه پیدا نشدہ بود میبایستی از صاحب مودی رفع خسارت نماید . « و چنین دستور بودہ کہ دعواهای کم تا پنج تومان الی دوازده تومان را اعم از اینکہ در اصل شهر یا دہات بودہ داروغہ احضار و زیادہ

براین را دیوان بیگی احضار مینمودہ ، و ضابطہ کلیہ فیما بین دیوان بیگی و داروغہ آنست کہ آنچه را داروغہ تواند نمود دیوان بیگی دخل نمیتواند کرد و بعد از آنکہ بدیوان بیگی رسید دیگر داروغہ را دخلی بر آن نیست . » (۷)

فریر کہ کتاب خود را در سال ۱۶۷۳ میلادی نوشته داروغہ را بمنزلہ شهردار و رئیس پاسداران قلمداد کردہ است و میگوید وظیفہ اش این بود کہ شبها در مقابل دروازه های قصر سلطنتی سر پاسداران را تحت نظارت قرار دہد و در شهر گردش نمودہ اشخاص بیکار و ولگرد را کہ نمیتوانستند وضع خود را توجیہ نمایند متفرق و یا توقیف نماید . همچنین وظیفہ داشت کہ این قبیل مجرمین را مجازات کند و بطور کلی نظم و آرامش را نگاهدارد (۸) .

در تذکرۃ الملوک نقل شدہ است کہ داروغہ اصفهان تحت عناوین مختلف مبلغ ۳۰۰ تا ۵۰۰ تومان رسوم دریافت میداشت (۹) بقراری کہ دومان اظهار میدارد در سال ۱۶۶۰ میلادی حقوق داروغہ اصفهان گذشتہ از وجوہی کہ از طرفین دعوا در محاکمات میگرفت مبلغ ۴۰۰ تومان بود (۱۰) . دورہ تصدی منصب داروغگی در زمان صفویہ از قرار معلوم عموماً دو سال بودہ است . شاردن نقل میکند کہ داروغہ قزوین دو سال بدو سال عوض میشد و حقوق سالیانہ اش ۶۰۰ تومان بود . (۱۱) شاردن همچنین روایت میکند کہ هنگامیکہ دورہ دو سالہ تصدی رستم بگ داروغہ کاشان منقضی شد مردم شهر کہ از رفتن او رضایت کامل داشتند از شاه درخواست کردند کہ مأموریت او را تمدید نماید اما تقاضای آنها رد شد چون تمدید مدت در اینموارد معمول نبود . (۱۲) کروسینسکی اشارہ بداروغہ ای میکند کہ در حدود اوائل قرن ہجدهم پنج شهر گرجستان در حوزہ اقتدارش بود و این پنج شهر از طرف پادشاه ایران یکی از شاهزادگان گرجی واگذار شدہ بود . وظیفہ این داروغہ عبارت بود از جمع آوری مالیات برای آن شاهزادہ و حل و فصل دعاوی و جلوگیری از اغتشاش و بی نظمی . برای انجام وظایفش بیست تن پاسدار در اختیار داشت کہ مخارج آنها را خودش میپرداخت . گذشتہ از ۵۰۰ تومانی کہ از پنج شهر حوزہ اقتدارش جهت ولینعت خویش جمع آوری میکرد ۵۰۰ تومان دیگر ہم میبایستی بعنوان پیشکش بدهد و گر نہ مقامش را

از دست میداد. داروغه مورد بحث حقوق و مستمری دریافت نمیداشت و باینکه ناچار بود نصف درآمد خود را که از راه جریمه کردن مردم بدست میآمد به ولینعمت خویش پردازد و هم مواجب پاسدارانش را پرداخت نماید معذلک نسبة در رفاه و تنعم میزیست (۱۳).

درباره داروغه اصفهان کروسینسکی مینویسد که وظیفه عمده اش مراقبت و نگهداری شهر خاصه در برابر دزدانی بود که هنگام شب دستبرد میزدند. در سایه مراقبت و هشیاری نامبرده (داروغه اصفهان) هیچ مجرمی راه فرار نداشت. کلید دزدان را دستگیر میکرد اما بجای اینکه آنها را مجازات نماید و اداشان میساخت که مثل اسرای جنگی آزادی خویش را بخرند. . . . اگر احياناً یکی از محبوسین وضع مالی اش اجازه نمیداد که آزادی خود را خریداری کند جناب داروغه از روی خیرخواهی شب که میرسید او را آزاد میساخت که دستبرد جدیدی بزند. . . . (این موضوع را همه در اصفهان میدانستند و تاریخ آن با محاصره شهر که در سنه ۱۷۲۲ اتفاق افتاد فاصله چندانی نداشت. (۱۴)

اصطلاح داروغه در زمان صفویه در مورد بعضی از منشی‌های هاکه در ادارات بزرگ دولتی بر سایر کارمندان نظارت میکردند هم اطلاق میشد. برای نمونه داروغه فراشخانه و داروغه دفترخانه از این سنخ بودند. (۱۵)

شخص اخیر الذکر زیر دست مستوفی الممالک انجام وظیفه میکرد و با ناظر دفترخانه ارتباط نزدیک داشت (۱۶). داروغه فراشخانه مبلغ ۱۰ تومان و ۳۷۶۰ دینار بعنوان تیول و ۹۵ تومان و کسری از خیاطان و نقاشان و اصناف مختلفه و همچنین رسوم دیگری دریافت میداشت. (۱۷)

شغل داروغه دفترخانه:

«نسق کل دفترخانه و تنبیه عربان و سایر عمده دفتر با اوست و طلب و دعوائی که فیما بین عمده دفتر بوده باشد در حضور مشارالیه باید قطع شود و ضمن تمامی احکام و ارقام مناصب و تنخواه و تیول و همه ساله و ارقام ملازمت کل عساکر منصوره و وصل ارقام و احکام را مهر مینمود (۱۷ الف) و کل عمال دیوانی از وزرا و مستاجران و ضابطان و متصدیان و مباشران مالیات دیوانی را

بپای حساب میآورد که مقرب الحضرة ناظر دفترخانه تفریح و تصحیح محاسبه ایشان نماید» (۱۸). تاورنیه همچنین اظهار میدارد که داروغه دفترخانه تمام کسانی که رسید عوضی میدادند یا از مردم بزور پول میگرفتند تعقیب و مجازات میکرد (۱۹). مقرری اش بنا به تذکرة الملوك پنجاه و هفت تومان و هشت هزار دینار و کسری بود. سابقاً تیول و اضافاتی نیز بنام مراتب شامل حالش میگرفتند. در زمان سلطنت شاه سلطان حسین تیولی که تقریباً ۲۰۰ تومان ارزش داشت به داروغه دفترخانه تخصیص داده شده بود. نامبرده ۷۳ تومان و ۷۴۳۰ دینار از طریق رسوم محلی درآمد داشت و علاوه بر این مبالغ از هر تومان کمیسیونهایی بشرح زیر دریافت میداشت: ۵ و یکدوم دینار از اجاره‌ها - ۲ و یکدوم دینار از فوق العاده امراء - ۷ و یکدوم دینار از تیول آنها = ۵ دینار از همه ساله آنها و ۱۵ دینار از انعامی که بامراء و کسانی که کارمند دولت نبودند و سیورغالها و غیره (۲۰).

در زمان صفویه اصطلاح داروغه در موارد دیگری نیز بکار رفته است که هیچکدام از دسته بندیهای فوق مشمول آنها نمیگردد. فی المثل داروغه ترکمنها که شرحش در زیر خواهد گذشت. از توصیف محمد مفید در جامع مفیدی اینطور برمیآید که در حدود سال ۱۰۵۴ (۱۶۴۴) در نزد داروغه ای وجود داشت بنام مجوسیان (۲۱). از وظایف و اختیارات این داروغه ذکری بمیان نیامده است. شاید مشارالیه مأمور وصول مالیات از زردشتیان و مجری ساختن قوانین و مقررات مربوط بآن طایفه بوده است. مقارن همین زمان در اصطبل سلاطین مغول هندوستان مأموری انجام وظیفه میکرد که داروغه خوانده میشد (۲۲). از طرف دیگر داروغه در تفلیس سمتی نظیر ریاست پلیس داشت و با پایور شهربانی (موروی) و شهردار ارمنی (ملک) و کدخدای همکاری نزدیک میکرد. (۲۳)

از قرار معلوم وظایف عمده داروغه در ایران طی قرون هجدهم و نوزدهم تغییر چندانی نکرده و همان وظایف افسر پلیس بوده است. فرانکلین در سنه ۷ - ۱۷۸۶ میلادی مینویسد که در شیراز ساعت ده و نیم شب طبل سوم نواخته شده و ساعت خاموشی اعلام میگردد. اشخاصی که از این ساعت به بعد در خیابانها

دیده میشدند توسط داروغه و یا مأمورینش دستگیر شده و تا صبح روز بعد در توقیف بستمیبردند. در آنموقع آنها را نزد حاکم شهر برده و چنانچه نمیتوانستند دلیل قانع کننده ای ارائه کنند یا چوب و فلک میشدند و یا اینکه جریمه می پرداختند (۲۴). در این اوان ظاهراً دایره اختیارات داروغه وسیع تر و وظایف محتسب محدودتر گردیده است. بطوریکه در بعضی از شهرها ظاهراً سمت محتسب بکلی از میان رفته است. بی نینگ در حدود اواسط قرن نوزدهم مینویسد که پست محتسب بتازگی در شیراز منسوخ شده است (۲۵). فرانکلین درباره اختیارات داروغه مینویسد که «بهاء خواربار در شیراز با کمال دقت وصحت توسط داروغه و یا حاکم پلیس مشخص میگردد. نامبرده روی هر جنس قیمت معینی میگذارد و هیچ دکانداری جرأت ندارد بیشتر مطالبه کند زیرا مجازات این قبیل جرایم شدید بوده و ممکن است اجحاف کننده بینی و گوشهای خود را از دست بدهد. بدینسان حتی ناتوانترین سکنه در تهیه حوایج زندگی از شر تقلب و گوش بری مصون میباشد» (۲۶).

تانکوون که مدتی بعد یعنی در سال ۱۸۲۰ کتاب خود را نوشته اظهار میدارد که داروغه بر آرامش و امنیت شهر نظارت میکرد. نظم بازار و خیابانها را نگاه میداشت. به میخانهها و اماکن عمومی و سایر مراکز تجمع مردم سرکشی میکرد. میتوانست آنهایی را که مخل نظم و آرامش بودند با چوب و فلک مجازات کند و یا آنهایی را که از پرداخت دیون خود شانه خالی میکردند بزندان افکند. داروغه با زرس کل منازل بدنام هم بود و میتوانست بمیل خود آنها را تعطیل کند و یا آزاد بگذارد. بروایت تانکوون «داروغه معمولاً خوب میداند که چگونه از قدرت خود استفاده کند و ساکنین و میهمانان این منازل را بدخواه خویش جریمه مینماید». در تهران میراحداس زیر دست داروغه انجام وظیفه میکرد و موقعیکه خود یا مأمورینش دزدی را دستگیر میکردند او را موقتاً یکی از زندانهای شهر میفرستادند تا اینکه حاکم حکم نهائی درباره او صادر کند. اما آنهاییکه مرتکب جرائم خفیف و جزئی میشدند روز بعد بنزد داروغه فرستاده میشدند و یا اینکه خود میراحداث درباره آنها حکم صادر میکرد. (۲۷)

چنین بنظر میرسد که داروغه فهرستی از نام پاره ای صاحبان صنایع نیز نگاه میداشته است که در مواقع لزوم از آنها جهت دربارشاهی کار گرفته میشد. بروایت ژوبر در سال ۱۸۰۶ میلادی شاه برای بازدید قشون از بیاتخت مسافرت کرد و جاده قرق اعلام گردید. دوز روز بعد بازرگانان و کارگران و استادکاران و سایر افرادی که نامشان در فهرست داروغه به ثبت رسیده و موظف بودند که باردوگاه سلطنتی رفته و فنون خود را بکار بندند دسته جمعی روانه اردوگاه شدند (۲۸). احتمال می رود که در اوائل قرن هجدهم تغییراتی در مناصب و وضعیت مأمورین شهرستانها و ادارات محلی روی داده باشد. ملکم اظهار میدارد که بیگلربیگیها حکام ولایات بودند و از طرف شاه نامزد میشدند. داروغه بتاقول ملکم افسر پلیس بوده و مستقیماً تحت نظر حاکم شهر انجام وظیفه میکرد است. (۲۹)

اگرچه داروغه بعنوان رئیس پلیس شهر یحتملاً نظارت کلی بر بازار را بعهده داشت (و در بعضی موارد قیمت اجناس را معین میکرد) با وجود این مواردی وجود دارد که داروغه خاصی جهت بازار منصوب شده است. حسن رملو نقل میکند که در سال ۹۸۴ (۷ - ۱۵۷۶) داروغه بازار قزوین بدست جمعی از اکراد بقتل رسید. (۳۰)

ای. اس. وارینگ در ۱۸۰۲ داروغه را سرپرست بازار خوانده و مینویسد که داروغه شیراز از طرف دولت منصوب میشد و وظیفه اش استماع شکایات بازاریان و رسیدگی به اختلافاتی بود که در بازار روی میداد. اگر دکانداری از اجرای تعهداتش سرباز میزد داروغه او را مجبور بایفای تعهداتش مینمود و برای انجام آن در صورت لزوم با وقت کافی میداد. چنانچه مشکلی غنه سوء شهرت میداشت داروغه او را جریمه کرده و به حبس یا مجازات محکومش میساخت. داروغه همچنین بر اخلاق و رفتار مردم نظارت میکرد و اگر کسی در حال نوشیدن مشروب و یا در مصاحبت زنان بدکاره بچنگ او میافتاد ناچار بود رضایت خاطرش را بقیمت گزاف فراهم آورد (۳۱). بهمین منوال ج. ب. فریزر در سال ۱۸۲۲ راجع به رشت مینویسد که یکنفر داروغه یا ناظر همه روز

در دفتر کار خود که در وسط بازار قرار داشت می نشست و وظیفه اش این بود که تمام اختلافات و امور بازار را سامان داده بر او زان و مقیاس ها نظارت کرده و به نظافت و آرامش و جریان منظم امور رسیدگی نماید . (۳۲)

حوزه اختیارات و وظایف داروغه تا زمان انقلاب مشروطیت کم و بیش بهمین نهج باقی ماند اگر چه احتمال دارد که در عمل در شهرهای مختلف تفاوتی وجود داشته است .

او بن در سال ۱۹۰۶ مینویسد که داروغه مسئول اداره و نگاهداری پلیس شهری بود و بازار داروغه مخصوص بخود داشت . این شخص فی الحقیقه رئیس بازار بود . شبها از بازار مراقبت میکرد و مسئول سرقتهایی بود که شب هنگام صورت میگرفت . در عوض این خدمت بازاریان برای هر مغازه روزانه یکشاهی باو میدادند (۳۳) . همین نویسنده نقل میکند که در سال ۱۹۰۷ چهار محله شهر قم کدخدا و کلاتتری نداشت و اداره شهر بایکنفر داروغه بود که از طرف حاکم شهر منصوب میگردد (۳۴) . از طرف دیگر در اردیلبیل رؤسای شش محله شهر و داروغه بوسیله کدخدا باشی انتخاب میشدند . سمت کدخدا باشی بموجب فرمان عباس میرزا موروثی بود (۳۵) . بطوریکه او بن نقل میکند در سال ۱۹۰۷ هنوز تهران دارای داروغه شهر بود ولی شاید او بن داروغه بازار را بجای داروغه شهر گرفته باشد . او بن به توصیف دسته های عزاداری ایام محرم پرداخته مینویسد که داروغه شهر در سبزه میدان می نشست و دسته های عزاداران در حالیکه با قبه خود را میزدند و مجروح می ساختند از برابر او میگذشتند و باین ترتیب شفاعت زندانیانی را میکردند که میخواستند آزاد شوند (۳۶) .

قبل از اعطای مشروطیت تبریز به ۱۵ ناحیه و ۱۴ محله که یکی از آنها بازار بود تقسیم شده بود . بر هر محله یک کدخدا نظارت میکرد ولیکن اداره بازار به داروغه و داروغه شاگردها سپرده شده بود که شبها از بازار پاسداری میکردند . خود داروغه دفتر مخصوصی در بازار داشت .

در قزوین داروغه بازار که از طرف کدخدای محله منصوب میگشت تعدادی پاسدار بنام بابا و چراغچی در اختیار داشت که شبها مأمور محافظت بازار بودند .

اگر سرقتی روی میداد داروغه در مقابل مال مسروقه مسئول کدخدا و کدخدا مسئول حاکم شهر بود . اصطلاح داروغه منحصرأ در مورد حاکم شهر یا افسر پلیس شهری و یامنشی باشی یکار نمیرفت . شواهد چندی در دست است که عنوان داروغه بنوعی فرماندار نظامی که سرپرستی قبایل را به عهده داشت نیز اطلاق میشده است . فی المثل عبدالرزاق بسال ۸۷۰ (۶ - ۱۴۶۵) در مطلع السعدین مینویسد که سابقاً تیسور در بعضی مواقع یک داروغه و یک محصل به نزد ایل هزاره که نزدیک هرات میزیستند میفرستاد که مالیاتها را جمع آوری نمایند (۳۷) . ظاهراً این شیوه با رسم سلجوقیان بزرگ مطابقت دارد که برای روابط و مناسبات خود با ترکمنها مأمور مخصوصی داشتند که شحنة ترکمنها خوانده میشد . (۳۸) در زمان صفویان نیز نظیر این مأمور وجود داشت . حسن رملو از قتل شاطربگ در سال ۹۵۷ (۱۵۵۰) روایت میکند . این شخص که داروغه ترکمنها بود از طرف شاهوردی بگ حاکم استرآباد انتصاب یافته و بدست جمعی از شورشیان بقتل رسید (۳۹) . بقرار معلوم در دوره قاجار نیز ترکمنهای یموت مالیات خود را بداروغه ای میپرداختند . (۴۰)

قسمت عمده وظایف داروغه جنبه لشکری داشت و گسائیکه باین سمت منصوب میشدند با احتمال قوی اکثرأ از طبقات نظامیان بودند . مثلاً در زمان تیموریان داروغه معمولاً از میان ۳۲ خانواده بزرگ ایلی برگزیده میشد . (۴۱) در اواخر دوران صفوی سمت داروغه اصفهان امتیازی بود که منحصرأ با افراد خانواده سلطنتی گرجستان که قسمتی از اریستوکراسی نظامی روز راتشکیل میدادند تعلق میگرفت . (۴۲) اما این دسته همواره صاحب این امتیاز نبودند در سال ۱۰۷۷ (۷ - ۱۶۶۶) که محمد قلی خان داروغه اصفهان در گذشت میراب بجانشینی او انتخاب شد . (۴۳) بهمین نحو محمد مؤمن بگ که در ۱۰۵۳ (۴ - ۱۶۴۳) داروغه یزد گردید از طبقات نظامی نبود . پدرش محمد علی بیگ ابتدا خطیب یزد بود و بعد وزیر اصفهان و ناظر بیوتات خاصه گردید . (۴۴)

بطوریکه از سطور بالا مستفاد میگردد اصطلاح داروغه در حیظه زمان و مکان موارد استعمال فراوان داشته و در حقیقت یکی از اصطلاحات اداری انگشت شماری است که ریشه مغولی داشته و برای مدتی نسیبه طولانی در ایران

رایج بوده است درحالیکه مثلاً بسقاق (که اصلاً ترکی است اما بوسیله مغولها بایران آورده شد) و بتکچی از زمان ایلخانیان به بعد متروک افتادند. علت این اختلاف شاید این باشد که بسقاق و بتکچی معرف سازمانهایی بودند که توسط مغولها بوجود آمده و در تشکیلات اداری ممالکی که سابقاً تحت سلطه بنی عباس بود پایه و مبنائی نداشت و حال آنکه اصطلاح داروغه بخصوص لفظ شحنه به تشکیلاتی اطلاق میشد که در کشورهای اسلامی خاورمیانه سابقه طولانی داشتند. البته منظور این نیست که قائل شویم که وظایف و اختیارات شحنه و داروغه در ستمهای مختلفشان همواره کاملاً یکسان بوده است.

از مثالهایی که در بالا ذکر کردیم بروشنی معلوم میگردد که موارد استعمال این دو اصطلاح متغیر و حتی غیر دقیق بوده است. از این گذشته همانطور که معمولاً در مورد اصطلاحاتی که مدتی نسبتاً طولانی بکار میروند اتفاق میافتد عنوان داروغه در طول زمان طبعاً تغییر معنی داده و تا اندازه ای اهمیت خود را از دست داد. این امر نه تنها در ایران بلکه در هندوستان، چه در دوره مسلمین و چه بعدها، نیز روی داد (۴۵). داروغه که وظیفه اصلی اش اجرای نقش فرماندار نظامی - یعنی همان وظیفه شحنه در زمان سلجوقیان بزرگ بود در ایران در درجه اول بصورت یک افسر پلیس درآمد که مأمور حفظ انتظامات شهر و بعدها فقط بازار بود. داروغه بازار در عمل متدرجاً وظایف و اختیارات محتسب را بطرف خود جلب میکرد. در قرن نوزدهم در بعضی از شهرها سمت محتسب از میان رفت و وظایف او را در بازار داروغه بعهده گرفت و این خود شاید نشانه ایست از قدرت روز افزون سازمانهای سیاسی در مقابل دستگاههای مذهبی. در قرن بیستم با ظهور انقلاب مشروطیت در شکل حکومت تغییرات اساسی داده شد. در سالهای اول مشروطیت داروغه هنوز جسته گریخته بچشم میخورد اما این منصب دیگر زائد و ناباب شده بود و وظایف گوناگون او بتدریج بدست نظمیه که روی مدل پلیس کشورهای غربی بوجود آمده بود همچنین شهر داریها و تا آنجائی که مربوط به قبایل و عشایر بود بدست ارتش سپرده شد.